

ماهیت فقهی - حقوقی استمهال معوقات بانکی

مصطفی‌السان*

محمد نوروزیان**

چکیده

امروزه مسئله معوقات بانکی به یکی از معضلات و چالش‌های اصلی حوزه بانکداری تبدیل شده است، به طوری که برخی از سیاست‌های پولی و مالی در جهت اعطای تسهیلات با افزایش سیر صعودی این معوقات مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. بازگرداندن و احیاء منابع تخصیص یافته به چرخه مطالبات جاری یکی از مهم‌ترین وظایف نظام بانکی است که اگر این مهم محقق نشود، تبعات سنگینی برای سیستم بانکداری ایجاد می‌نماید. از طرفی برخی از مشتریان به‌رغم تمایل به پرداخت بدهی‌های خویش، به دلایل غیرارادی قدرت بازپرداخت در سررسیدهای تعیین شده را ندارند و در صورت مساعدت و همراهی بانک و استمهال معوقات، می‌توانند ضمن استمرار فعالیت اقتصادی، به صورت تدریجی و در مدتی مشخص بدهی خود را پرداخت نمایند.

استفاده از سازوکار استمهال در جهت حل مشکلات مشتریان و بانک‌ها در مسئله مطالبات معوق، گامی مؤثر و مثبت محسوب می‌شود. در اجرای روش‌های استمهال، مجموع بدهی سابق مشتری که مبنای قرارداد استمهال نیز می‌باشد، با تغییراتی روبه‌روست که بررسی این مسئله و تطبیق آن با مبانی فقهی، حقوقی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. توجه و عنایت ویژه به وضعیت خاص برخی از بدهکاران و علت نکول اقساط تسهیلات توسط آنان، امعان نظر به منشأ شکل‌گیری بدهی مشتریان، نقد و بررسی روش‌های کنونی استمهال و آثار اجرای این روش‌ها نسبت به دریافت‌کنندگان تسهیلات و بانک‌ها می‌تواند نقطه عطفی در حل مسائل و مشکلات موجود در حوزه حقوق بانکداری و مبحث استمهال معوقات بانکی باشد. روش تحقیق در مقاله، به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی

مطالبات معوق، استمهال، اضعاف مضاعف، وجه التزام، جریمه دیرکرد، افزایش تعهد.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

mostafaalsan@yahoo.com

** کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

noruzian70@gmail.com

طرح مسئله

استمهال و یا طلب مهلت، درخواستی است که به منظور تأدیه اقساط معوق شده از سوی مشتری به بانک ارائه می‌گردد و گاهی نیز این درخواست از جانب بانک به وام‌گیرنده پیشنهاد می‌شود. در فرآیند تخصیص تسهیلات، برخی از وام‌گیرندگان از ابتدا با هدف بازپرداخت به موقع اقساط اقدام به اخذ وام می‌نمایند، اما ممکن است بنا به دلایل موجهی به‌طور موقت توانایی تأدیه دیون خود را نداشته و از بانکها درخواست مهلت نمایند که به این درخواست آنان استمهال اطلاق می‌گردد.

با توجه به اهمیت موضوع استمهال، نظام بانکی راهکارهای مختلفی طراحی و عملیاتی نموده است. به‌طور کلی این راهکارها را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود؛ راهکارهای ابلاغی به نظام بانکی توسط بانک مرکزی، راهکارهای اجرایی توسط خود بانکها و روش‌هایی که دکتترین ارائه نموده‌اند. از جمله راهکارهای ابلاغی می‌توان به استفاده از ابزار خرید دین، ابزار سلف و ابزار اجاره به شرط تملیک اشاره نمود که هرکدام دارای یکسری محدودیت‌ها می‌باشند. در مورد راهکارهای اجرایی توسط بانکها باید به تقسیم بدهی‌های معوقه، مشارکت مدنی احیا و جعاله احیا اشاره کرد و در خصوص روش‌های دکتترین، استفاده از شیوه مشارکت کاهنده به‌عنوان ابزاری مناسب‌تر نسبت به راهکارهای ابلاغی و اجرایی توسط بانکها معرفی و پیشنهاد گردیده است.

در مورد بدهکارانی که به دلایل موجه از جمله شرایط بد اقتصادی کشور، دچار فقر و ناتوانی موقتی شده‌اند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند این آیه از قرآن کریم حکم موضوع را مشخص نموده است: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۸۰)؛ اگر (بدهکار) قدرت پرداخت بدهی را نداشته باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید (در صورتی که هیچ قدرتی ندارد) برای خدا او را ببخشید، بهتر است اگر منافع این کار را بدانید. همچنین در روایات مختلف راهکارهای لازم برای استیفای حقوق طرفین در این حالت پیش‌بینی شده است.

یکی از مصادیق روشن ربا، افزایش مبلغ بدهی برای تمدید مهلت است. غالب مفسران در تفسیر آیات ربا یکی از مصادیق ربای رایج در جزیره‌العرب که قرآن با آن به

مبارزه بر خواسته را افزایش مبلغ بدهی در قبال تمدید مدت می‌دانند و همه فقها در طول تاریخ بر ربا و حرام بودن چنین عملی تصریح دارند؛ به‌عنوان مثال، امام خمینی در این‌باره بیان داشته است: «در عدم جواز تأجیل ثمن حال، بلکه مطلق دین به زیادتز بحثی نیست، زیرا همانند زیادی در قرض ربا است و دلیل آن، افزون بر صدق ربا، روایاتی است که در شأن نزول «احلّ الله البیع و حرّم الربا» رسیده و طبق آن‌ها، آیه درباره زیادی مال در مقابل تأخیر در دین حال نازل شده است و روایاتی که طبق آن، امام باقر(ع) در تأجیل و تعجیل دین به آیه ربا تمسک می‌کند» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، صص ۵۲۷-۵۲۹).

از مهم‌ترین اهداف نوشتار حاضر، متوجه ساختن نظام بانکی نسبت به این مسئله است که اگرچه عده‌ای از وام‌گیرندگان علی‌رغم تمکن مالی و با هدف کسب سود بیشتر اقدام به تخلف و پیمان‌شکنی و تأخیر در پرداخت اقساط خود می‌نمایند، لیکن گروهی معسر و ورشکسته و فعال اقتصادی دارای مشکلات موقت نیز وجود دارند که می‌بایست نحوه برخورد و تعامل بانک‌ها در موضوع استمهال معوقات (دریافت سود، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه) نسبت به آنان با دیگر وام‌گیرندگان متفاوت باشد.

در این نوشتار به دنبال این هستیم تا سازوکار استمهال معوقات غیرجاری بانک‌ها را از لحاظ حقوقی، فقهی و اقتصادی مورد بررسی و تتبع قرار دهیم. طبق اصل فقهی «کل قرض یجرّ نفعاً فهو ربا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۰۹)، اگر منشأ پیدایش بدهی قرض باشد، مسلماً استمهال و افزایش بدهی مشتری، مصداق اجلی ربا خواهد بود که حکماً حرام می‌باشد.

در خصوص پیشینه تحقیق، اگرچه در سال‌های گذشته و هم‌زمان با افزایش حجم مطالبات معوق در نظام بانکی، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی در زمینه مطالبات معوق در سیستم بانکی کشور ارائه شده است، ولی بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که تنها به‌جز چند مورد محدود، سایر پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی علل پیدایش مطالبات و ارائه راهکارهایی به‌منظور جلوگیری از افزایش مطالبات پرداخته‌اند و روش‌های استمهال و احیاء مطالبات معوق شده چندان مورد توجه قرار نگرفته که به طریق اولی بررسی فقهی و حقوقی روش‌های اجرایی نیز مغفول مانده است.

مقاله «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا» نوشته دکتر موسویان در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. ایشان در این مقاله ضمن نقد و بررسی روش‌های استمهال من جمله روش‌های ابلاغی توسط بانک مرکزی و روش‌های اجرایی توسط بانک‌ها، راهکار جدیدی را برای عملیاتی کردن استمهال مطالبات غیرجاری شبکه بانکی در قالب «عقد مشارکت مدنی کاهنده» ارائه نموده‌اند.

اثر علمی دیگر در این زمینه، فصل یازدهم کتاب «بانکداری اسلامی» (۱) (مبانی نظری - تجارب عملی) دکتر موسویان است که با موضوع استمهال مطالبات غیرجاری به بررسی رویکرد اسلام در برخورد با بدهکاران، بیان وضع موجود مطالبات معوق در نظام بانکی کشور و آثار سوء آن، ارزیابی و نقد راهکارهای موجود استمهال که توسط بانک‌های کشور مورد استفاده واقع می‌شود و ارائه الگوی مشارکت کاهنده به‌عنوان مدل پیشنهادی جهت استمهال پرداخته است. هرچند شاکله اصلی این فصل همان مطالب و دیدگاه ایشان در مقاله «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا» است، لیکن مطالب این فصل جامع‌تر و به‌روزتر نگاشته شده و همچنین در این نوشتار، رویکرد اسلام در برخورد با بدهکاران مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش دیگر با موضوع «بررسی مطالبات غیرجاری نظام بانکی و راهکارهای وصول مطالبات در نظام بانکداری اسلامی برخی کشورها» توسط دکتر کامران ندری به رشته تحریر درآمده که در این نوشتار با روشی تحلیلی - کمی به بررسی و مقایسه تطبیقی مطالبات غیرجاری شبکه بانکی ایران با سایر کشورها و شناسایی راهکارهای برخی کشورهای اسلامی در چگونگی وصول مطالبات می‌پردازد. در چکیده این مقاله این‌گونه عنوان گردیده که علی‌رغم به‌کارگیری بانکداری بدون ربا در ایران، نظام بانکی کشور از لحاظ منابع در مقایسه با سایر کشورهای دنیا در وضعیت مناسبی نبوده و نیازمند حل فوری معضل مطالبات غیرجاری است.

وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده عبارت است از: در نظر گرفتن منشأ حقیقی معوقه شدن مطالبات، توجه به اوضاع و احوال و شرایط خاص هر یک از بدهکاران بانکی در به‌کارگیری شیوه‌های استمهال، اهتمام به وضعیت خاص بدهکاران، بیان حالات کلی استمهال معوقات اعم از تمدید قرارداد،

تجدید قرارداد یا جابه‌جایی تسهیلات و تبدیل قرارداد، تبیین راهکارهای ویژه اسلام در مواجهه با تأخیر تأدیه دیون و ارائه سازوکارهایی در جهت تأدیه بدهی‌ها. با عنایت به اینکه موضوع پژوهش، ماهیت فقهی - حقوقی استمهال معوقات بانکی می‌باشد؛ لذا پژوهش حاضر در پنج قسمت سامان داده شده است که به تفصیل زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد: در قسمت اول ربای اضعاف مضاعف و دریافت سود از سود مورد اشاره قرار گرفته و در قسمت دیگر تقسیم‌بندی انواع بدهکاران با تکیه بر بدهکاران معسر و فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت بیان گردیده است. راهکارهای اسلام در مواجهه با تأخیر تأدیه دیون از دیگر مباحث مطرح شده در این نوشتار می‌باشد؛ در این وهله سخن از سازوکارهای نظام اقتصادی و حقوقی اسلام در مواجهه با بدهکاران و طلبکاران به میان آمده است؛ تشویق بدهکاران به پرداخت بدهی خود، ترغیب طلبکاران به مهلت دادن به مدیون، مراجعه به حاکم اسلامی در شرایط خاص مدیون و طلبکار، پرداخت دیون بدهکار خاص از محل زکات جمع آوری شده، تخفیف در بدهی در قبال پرداخت زود هنگام و نهایتاً مجازات بدهکاران متمکن از جمله این روش‌ها می‌باشد. در پایان روش‌های اجرای استمهال معوقات بانکی شامل (تمدید، تجدید و تبدیل قرارداد) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. ربای اضعاف مضاعف (دریافت سود از سود)

در گذشته و در عقد قرض شرط می‌شد که وام‌گیرنده موقع سررسید دین، زیاده معینی هم بپردازد. اگر وام‌گیرنده در موقع رد طلب توانایی پرداخت دین خویش را نداشت، وام‌دهنده مهلت جدیدی به او می‌داد و ربح سابق را به اصل بدهی می‌افزود؛ بنابراین بدهی وام‌گیرنده حاصل جمع اصل بدهی و ربح سابق می‌شد و ربح جدید به بدهی جدید (اصل بدهی و ربح سابق) تعلق می‌گرفت که بدان «ربح اندر ربح» و «ربح مرکب» نیز گفته می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۷۵۲۱). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا (و سود پول) را چند برابر

نخورید از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید. ابتدا به بیان توضیحات و روایاتی که ذیل این آیه مفسران نقل کرده‌اند، خواهیم پرداخت.

در تفسیر شریف کنز العرفان فی فقه القرآن در مورد آیه اضعاف مضاعف این چنین بیان شده است: «در این آیه تصریح بیشتری از آنچه گذشت نسبت به نهی از خوردن ربا وجود دارد. به این صورت که فرد آنگاه که اجل دین فرا می‌رسد بر آن می‌افزود و بر مقدار ربا اضافه می‌کرد و این کار را انجام می‌داد تا آن که با مقدار کمی قرض، تمام مال فردی که به او قرض داده شده را از آن خود می‌کرد» (سیوری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۰).

در تفسیر شریف مجمع‌البیان در مورد «أضعافاً مضاعفة» دو قول مطرح شده است: اول اینکه با تأخیر از زمان (معین شده) به مدتی دیرتر، (مبلغی) دو چندان و یا بیشتر گرفته شود؛ به طوری که اگر (تأدیه دین) از وقتی به وقت دیگر تأخیر افتد بر سرمایه افزوده شود. قول دوم بدین معنی است که نباید از طریق ربا اموال خود را زیاد و چند برابر کنید؛ لذا شامل هر زیادتیی که از راه حرام وارد مال شود می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۳۴).

در خصوص تفسیر آیه شریفه در بین مفسرین اختلاف نظر وجود دارد، طبق نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، آیه مذکور صریحاً تحریم ربا را بیان نموده و به یکی از انواع ربا که شدیدترین آن نیز می‌باشد اشاره نموده است؛ منظور این نوع از ربا که با عبارت اضعاف مضاعف بیان شده، ربای فاحش است؛ به این صورت که سرمایه به شکل تصاعدی در مسیر ربا سیر کند؛ یعنی سود در مرحله نخستین با اصل سرمایه تجمیع شده و مجموعاً به آن سود دوباره‌ای تعلق گرفته و مورد ربا قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۹).

قول مشهور که بسیاری از مفسرین نیز آن را پذیرفته‌اند این است که وقتی بدهکار، در سررسید دین نتواند بدهی خود را بپردازد، بدهی او را با اخذ مبلغی نسبت به اصل دین تا مدتی به تأخیر می‌اندازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۵). به منظور روشن شدن مطلب با یک مثال موضوع را ادامه خواهیم داد؛ فرض کنید شخصی مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را برای مدت یک سال به دیگری قرض دهد تا در پایان مدت مذکور مبلغ ۱۲۰

میلیون تومان از وی دریافت نماید. اگر بدهکار پس از پایان مهلت یک‌ساله نتوانست دین خود را تأدیه نماید، دائن در قبال افزایش مبلغ ۲۰ میلیون تومان به‌عنوان سود اصل سرمایه برای یک سال دیگر به مدیون فرصت می‌دهد. در واقع بدهی قرض‌گیرنده در پایان سال دوم مبلغ ۱۴۰ میلیون تومان خواهد بود که می‌بایست به طلبکار پرداخت نماید.

اما تفسیر دیگری که از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی نزدیک‌تر به نظر می‌رسد این است که طلبکار پس از نکول بدهکار در سررسید دین، «اصل وام و سود» را به‌عنوان وام جدید محسوب کند و سود هر دو را بگیرد. ایشان این احتمال را با تعبیر «اضعافاً- مضاعفه» سازگارتر می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۶). با این توضیح که در مثال بالا اگر بدهکار نتوانست در سررسید، دین خود را شامل اصل وام (۱۰۰ میلیون تومان) و سود آن (۲۰ میلیون تومان) تسویه نماید، طلبکار مهلت جدیدی به او می‌دهد مشروط بر اینکه وام‌گیرنده سود ۱۲۰ میلیون تومان را پرداخت نماید؛ بنابراین بدهکار علاوه بر تأدیه اصل وام و سود آن می‌بایست سود سود را نیز بپردازد.

۲. استمهال

همان‌گونه که روش استمهال یکی از راهکارهای اخذ مهلت در محاکم قضایی به‌حساب می‌آید در نظام بانکداری نیز کاربردهای خاص خود را دارد. مصداق اجلای آن طلب مهلت وام‌گیرنده‌ای است که توان پرداخت اقساط بدهی خود در سررسیدهای مقرر را ندارد. در این مبحث ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی واژه «استمهال»، به تحلیل و تقریر حقوقی ابعاد مختلف آن خواهیم پرداخت.

۱-۲. تعریف لغوی

«استمهال» از باب استفعال و به معنی طلب مهلت کردن می‌باشد. در لغت‌نامه دهخدا به معنای مهلت و درنگی خواستن و استنظار بیان شده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۸۲). در ترمینولوژی حقوق نیز ذیل واژه استمهال تقاضای مهلت کردن و درنگ خواستن عنوان شده است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۲۰). حسب آنچه بیان شد استمهال در لغت یعنی مهلت خواستن، از آنجایی که واژه استمهال در باب استفعال به کار رفته است به

کار بردن اصطلاح «درخواست استمهال» صحیح نمی‌باشد، چراکه استمهال خود به معنای درخواست و طلب مهلت است.

۲-۲. تعریف اصطلاحی

در حقوق بانکی استمهال به معنی طلب مهلت از بانک جهت ایفای تعهدات وام‌گیرنده و پرداخت دیون معوقه می‌باشد. مهلت دادن بانک به مشتری سه وجه دارد؛ اول تمدید تسهیلات، دوم تجدید و جابجایی تسهیلات و سوم تبدیل قرارداد؛ وجه اول تمدید تسهیلات به معنی قبول استمهال و تغییر سررسید ایفای تعهدات به تاریخ دیگری است که به صورت قرارداد الحاقی انجام می‌شود و در این میان سهم سود بانک و طرف معامله همان نرخ سود قرارداد مبنا بوده و تغییر نخواهد کرد. وجه دیگر تجدید و جابجایی است، بدین معنی که تسهیلات دریافتی اولیه مشتری با تسهیلات جدید جابه‌جا و جایگزین می‌شود، قرارداد اولیه فسخ شده و قرارداد جدیدی منعقد می‌گردد و مطابق آن قسمتی یا تمام تسهیلات دریافتی مشتری به تسهیلات جدید تبدیل خواهد شد. وجه سوم، استمهال از طریق تبدیل قرارداد است، با این توضیح که قرارداد اولیه به قوت خود باقی است و بدهی قبلی مشتری پای برجاست و با انعقاد یک قرارداد تسهیلاتی جدید، قرارداد قبلی مدیون تسویه می‌گردد.

۲-۳. عنصر قانونی

در سال‌های اخیر مشکلات و موانع بین‌المللی نظیر تحریم‌ها از یک سو و بحران‌های اقتصادی داخلی نظیر افزایش نرخ ارز و تبعات ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از سوی دیگر فشار مضاعفی به تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی وارد آورد. به دنبال آن موضوع استمهال مطالبات از سال ۱۳۹۰ و بر اساس بند (۲۸) بودجه آن سال به نظام بانکی ما وارد شد و به بانک‌ها این مجوز را می‌داد که برای یک‌بار تا پنج سال اصل و سود تسهیلات سررسید شده و معوق واحدهای تولیدی صنعتی، معدنی و کشاورزی را که در بازپرداخت بدهی‌های خود دچار مشکل شده‌اند را تقسیط نموده و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند.

پس از آن و در سال ۱۳۹۱ نیز مقرره‌ای شبیه به بند مذکور مجدداً در قانون بودجه کشوری پیش‌بینی شد. در بند (۲۹) این قانون بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی دارای مجوز بانک مرکزی موظف شدند با درخواست متقاضی و پس از تأیید هیئت‌مدیره بانک، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسیدشده و معوقه مشتریان حقیقی و حقوقی خود را که در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی فعالیت دارند و در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند را برای یکبار و تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسیدگذشته و معوق خارج نمایند. شورای پول و اعتبار در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ خود دستورالعمل اجرائی این بند را در ۹ ماده تهیه و ابلاغ نمود.

بخشنامه دیگری هم در این موضوع وجود دارد که تنها به بانک‌ها ابلاغ شده و امکان دسترسی عموم به آن وجود ندارد. به دلیل اهمیت و ضرورت مسئله تبدیل قرارداد، بانک مرکزی طی بخشنامه شماره ۱۹۱۳۲۵/۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵، به بانک‌ها ابلاغ نموده که در استمهال مطالبات غیرجاری مشتریان در قالب قرارداد جدید و اجرای بند (۲۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۰، از عقود خرید دین، اجاره به شرط تملیک و سلف استفاده نمایند.

۳. تقسیم‌بندی انواع بدهکاران بانکی

هدف اصلی از بررسی علت غائی ناتوانی بدهکاران در بازپرداخت اقساط، بیان مواردی است که می‌توان به استناد آن به این نتیجه رسید که شیوه کنونی برخورد بانک‌ها با این دسته از مشتریان نادرست و غیرعادلانه است و در برخورد با مشتریان بدهکار اوضاع، شرایط و احوال آنان به هیچ عنوان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کسانی که از روی استیصال و عدم توانایی مالی قادر به پرداخت بدهی خود به بانک نیستند، خلافی مرتکب نشده‌اند که به این واسطه به آنان خسارت دیرکرد و وجه التزام تعلق گیرد و اگر دقتی به شرایط بدهکار و عواملی که منجر به ناتوانی وی گردیده بشود، این مدعای ما اثبات می‌گردد.

در موضوع تعزیر مماطل طبق قواعد «التعزیر لکل فعل محرم» و «التعزیر بید الحاکم» تفویض این اختیار با خود بانکها موجب فساد می‌گردد. ضمن اینکه برخورد بانکها با کلیه مشتریان یکسان بوده که این اشتباه است. در مواجهه با بدهکار می‌بایست به صورت موردی و شخصی موضوع اعمال تعزیر بررسی شود و هر کس به حساب خودش تعزیر شود. شرایط و اوضاع و احوال بدهکاران متفاوت است و برای همه نمی‌شود یک نوع تعزیر در نظر گرفت. در روش تعزیر مماطل و بدهکار بایستی به عوامل تأخیر توجه شود و مجازات هر فرد متخلف به صورت مجزا تعیین گردد (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸). از یک سو اعمال فشار بر بدهکاران و دریافت خسارت تأخیر تأدیه و وجه التزام روشی غیرمنطقی و غیرعقلایی است و از سوی دیگر ممنوعیت مطلق دریافت خسارت و یا راهکارهای دیگر تنبیهی برای سودجویان موجب تشویق بدهکاران به عدم پرداخت به موقع بدهی آنان می‌گردد.

در این مبحث آنچه مورد توجه نگارنده قرار گرفته، تبیین وضعیت بدهکاران معسر و فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت است. چراکه با مذاقه و بررسی این گروه، مغایرت شرعی و قانونی اقدامات فعلی بانکها کاملاً آشکار می‌گردد. تبیین دو گروه دیگر از بدهکاران بانکی شامل متخلفان مستعد و سوء استفاده‌کنندگان از حوصله بحث ما خارج بوده و در جای خود قابل بحث و بررسی می‌باشد.

۳-۱. بدهکاران معسر

ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۹۴/۰۳/۲۳ به تعریف معسر پرداخته و این‌گونه مقرر داشته است: معسر به شخصی اطلاق می‌شود که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

یکی از مهم‌ترین آثار قاعده نفی عسر و حرج در مورد معاملات، اعطای مهلت به مدیون معسر است؛ مستند این حکم نیز اجماع مسلمین و شریفه ۲۸۰ سوره مبارکه بقره می‌باشد که پیش‌تر بیان شد. علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ المیزان ذیل این آیه این‌گونه نوشته است: «اگر در میان بدهکاران فقیری یافت شود طلبکار باید او را تا میسر مهلت دهد و میسر به معنای تمکن و دارا شدن است در مقابل عسرت که به

معنای فقر و تنگدستی است و معنایش این است که آن قدر باید مهلت دهد تا بدهکار به پرداخت بدهی خود متمکن شود و این آیه هرچند مطلق است و مقید به مورد ربا نیست ولیکن قهراً منطبق با مورد ربا است، چون رسم این بود که وقتی مدت قرض یا هر بدهی دیگر به پایان می‌رسید رباخوار گریبان بدهکار را می‌گرفت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۰).

ذیل آیه فوق روایاتی نیز از معصومین(ع) بیان شده که به ذکر برخی از آنها خواهیم پرداخت؛ از امام باقر(ع) منقول است: امیرالمؤمنین(ع) بدهکار را زندانی می‌کرد، پس چون ورشکستگی یا تنگدستی او ثابت می‌شد، او را رها می‌کرد تا مالی به دست آورد (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۹۶).

روایت دیگری در کتاب شریف روضه المتقین در باب مراعات و مماشات با بدهکار معسر این‌گونه نقل شده است که عثمان بن زیاد گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: از کسی طلب دارم و او می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد تا طلب مرا بپردازد، امام(ع) فرمود: تو را به خدا می‌سپارم که مبادا او را از خانه مسکونی‌اش خارج کنی. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۵۴۶).

بنا بر موارد فوق‌الذکر و ادله‌ای که مطرح گردید می‌توان نتیجه گرفت که اعطای مهلت مقتضی و متناسب با شرایط بدهکار معسر، تولیدکننده و فعال اقتصادی با مشکلات موقت بدون دریافت هرگونه وجه اضافه در قالب وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه، امری مسلم و قطعی است و یکی از تکالیف واجبی است که شارع مقدس بر عهده طلبکار (در مقابله با مدیون معسر) نهاده است. البته همان‌گونه که در شرع مقدس و قوانین موضوعه بیان گردیده، مهلت اعطایی به معسر موقتی بوده و تا زمان رفع حالت اعسار معتبر است. قانون‌گذار در ماده ۲۷۷ قانون مدنی نیز این‌گونه مقرر نموده که حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون، مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد. در ماده ۶۵۲ همین قانون نیز این‌گونه مدون شده است: «در موقع مطالبه، حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد». در قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ نیز این مطلب عنوان گردیده است.

و اما درباره حد اعسار و اینکه معسر واقعی به چه کسی اطلاق می‌شود؛ معسر به فردی می‌گویند که از بازپرداخت بدهی ناتوان باشد و آن‌چنان در مضیقه باشد که در صورت تأدیه دین دچار عسر و حرج گردد و بنا بر روایات موجود، بازپرداخت دین بر بدهکار معسر واجب نبوده و طلبکار نیز تا زمانی که وی متمکن نشده حق مطالبه طلب خود را ندارد و در صورت مطالبه و اجبار فرد معسر، مرتکب فعل حرام شده است (ندری و محرابی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۰).

در مورد شخصی یا نوعی بودن قاعده اعسار، اکثریت فقها معتقد به شخصی بودن این قاعده هستند؛ شیخ انصاری در مکاسب و رسائل، مرحوم آخوند خراسانی در کفایه، میرزای نائینی در منیة الطالب، میرفتاح در کتاب عناوین و نراقی در عوائد الأیام به شخصی بودن معیار عسر و حرج اشاره نموده‌اند و اصل در شناسایی عسر و حرج را معیار شخصی دانسته‌اند؛ چراکه تشخیص اوضاع و شرایط هر شخص در هر دعوی آسان‌تر از تمسک به معیارهای کلی و اختلاف‌انگیز است (کشوری، ۱۳۹۰، ص ۴۴). از طرفی با شخصی پنداشتن قاعده اعسار و بررسی دقیق اوضاع و احوال هر یک از بدهکاران به صورت خاص و ویژه، منفعت بانک‌ها نیز تأمین شده و دیگر اعسار و ورشکستگی بدهکاران بانکی به سادگی و به موجب احکام کلی سنجیده نخواهد شد.

اما نکته تکمیلی علاوه بر وجوب امهال بدهی معسر، بخشیده شدن جرائم ظالمانه و کمرشکن این دسته از بدهکاران بانکی می‌باشد؛ در ماده ۲۲۹ قانون مدنی آمده است: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست، نتواند از عهده‌ی تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود». در حالتی که شخص بدهکار معسر است و توان اجرای تعهد و پرداخت دین خویش را ندارد، بابت خسارت نیز نمی‌توان از او پولی گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).

بر این اساس می‌بایست منشأ توقف و استمهال معسر، ورشکسته و فعال اقتصادی یا تولیدکننده دارای مشکلات موقت مورد تحلیل و تدقیق بیشتری واقع گردد. طبق بررسی‌های به عمل آمده در این نوشتار و به نظر نگارنده، در صورتی که مشخص شود توقف از پرداخت اقساط وام، ناشی از تقلب یا سوء رفتار مدیون بوده است مستنداً به قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار»، مدیون به پرداخت اصل بدهی به همراه

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول (طبق شاخص سالانه بانک مرکزی) پس از اعطای مهلت عادلانه و تقسیط بدهی که در بالا گذشت، به نسبت توانایی اش مکلف به پرداخت خواهد بود و در فرضی که پس از کارشناسی و بررسی دقیق مشخص شود تقلب یا سوء رفتاری از جانب مشتری صورت نگرفته است، علاوه بر اعطای مهلت مناسب و تقسیط بدهی نباید هیچ‌گونه خسارتی ولو خسارت ناشی از کاهش ارزش پول از ایشان دریافت شود و پرداخت اصل بدهی طی اقساط تعیین شده به منظور ابراء ذمه مدیون کافی به نظر می‌رسد. همچنین پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از ضرر و زیان احتمالی موسسه مالی مربوطه (وام‌دهنده) از ناحیه کاهش ارزش پول در گذر زمان، این خسارت طبق شاخص سالانه بانک مرکزی از طرف صندوق تأمین که مشابه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است تأمین گردد.

در خصوص اشخاص معسر بهتر است بانک‌ها پس از بررسی و انجام کارشناسی دقیق در مورد شرایط و وضعیت واقعی بدهکار و در صورتی که اعمار مدیون ثابت گردد، به دریافت اصل بدهی با اعطای مهلت مقتضی و در قالب اقساط بلند مدت اکتفا نمایند. چراکه دریافت خسارت تأخیر تأدیه از این افراد بنا به فقدان یکی از شروط ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی (تمکن مدیون) قانونی نیست و به طریق اولی در موضوع وجه التزام نیز همین رویه می‌بایست اعمال گردد. الزام معسری که از پرداخت اصل دین خویش عاجز است به جبران خسارت‌های ناشی از عدم انجام تعهدات عمل درستی نیست. متأسفانه در نظام بانکداری بدون ربا و اسلامی ما، نه تنها هیچ‌گونه روش و سازوکاری برای شناسایی دقیق افراد معسر واقعی وجود ندارد، بلکه برخلاف حکم شارع و نص صریح قانون سود، وجه التزام و خسارت تأخیر نیز از این افراد دریافت می‌گردد.

۳-۲. فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت

مطالب این بخش را با ذکر روایتی از امام صادق(ع) آغاز می‌نماییم؛ این روایت در کتاب گران‌قدر کافی در مورد معامله با شخص درمانده و مضطر بیان شده و حضرت این‌گونه می‌فرمایند: «چنان روزگار سختی بر مردم درآید که هرکسی، چون سگان و

دندان جیفه مرداری به دندان بگیرد و به کنجی خزیده و از دیگران دریغ کند. با آنکه خدای عزوجل گفته است: «ای مردم فضل و کرم را فراموش مکنید» آنگاه است که جمعی سودجو به سراغ درماندگان می‌روند تا هست و نیست آنان را به ثمن بخش خریداری کنند، آنان بدترین خلق خدایند». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۱۰).

گاهی به دلیل وقوع حوادث و اتفاقات پیش‌بینی نشده و غیرقابل پیشگیری نظیر رکود اقتصادی، بروز مشکلات مدیریتی، تغییر سیاست‌های واردات و صادرات دولت، تغییر قوانین و مقررات، دخالت اشخاص ثالث (کلاه‌برداری)، جنگ، تحریم‌ها و ... شرایط بازار عرضه و تقاضا به گونه‌ای که یک تاجر و یا تولیدکننده بر اساس آن برنامه‌ریزی کرده است پیش نمی‌رود. این دسته از بدهکاران اصولاً متعهد و قانون‌مدار بوده و قبل و بعد از دریافت وام قصد تخلف و یا نکول اقساط را نداشته و ندارند (ندری و محرابی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۸).

در این حالت تاجری که اقدام به استقراض یا انجام معامله مدت‌دار کرده است تا در سررسید دین، اجناس خود را بفروشد و بدهی‌اش را بپردازد، به مشکل خورده و بدهی او نکول می‌شود یا تولیدکننده‌ای را در نظر بگیرید که طبق برنامه، اقدام به خرید مواد اولیه، لوازم کار و ماشین‌آلات به صورت نسبی نموده است تا از محل فروش محصولات بدهی خود را بپردازد، اما بر خلاف انتظار و به دلایلی که در بالا عنوان شد، امکان فروش محصولات تولیدی خود را پیدا نمی‌کند، بنابراین بدهی او سررسید گذشته می‌شود و برای پرداخت آن می‌بایست اجناس خود را زیر قیمت بازار بفروشد که در نتیجه ضرر خواهد کرد. در حالی که می‌تواند بعد از مدت کوتاهی اجناس و محصولات خود را به قیمت واقعی بفروشد. نظیر این اتفاق برای کشاورزان، مسکن‌سازان و مراکز خدماتی نیز متصور است. از آنجائی که پرداخت به موقع بدهی این دسته از بدهکاران مستلزم فروش سرمایه آنان است و این به معنی تعطیلی بنگاه اقتصادی و ورود ضرر فردی و اجتماعی فراوان می‌باشد، روشن است در چنین حالتی که مشکلات پیش روی این عده موقتی و گذرا بوده و با اعطای مهلتی امکان تأدیه دیون امکان‌پذیر است، بهترین تدبیر به تعویق انداختن سررسید بدهی می‌باشد (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۴۹۹).

دریافت هرگونه خسارت تأخیر تأدیه و وجه التزام از این افراد که بنا به مشکلات موقتیِ موجه از پرداخت اقساط خود ناتوان شده‌اند عادلانه نمی‌باشد و اعطای مهلت به این افراد می‌بایست بدون اضافه شدن اصل بدهی و سود متعلقه صورت پذیرد. احکامی که در بند قبلی و ذیل موضوع معسر و آیه شریفه «إن كان ذو عسرة فنظره إلی میسره» مطرح گردید در اینجا نیز جاری و ساری بوده و شرایط معسر و فعال اقتصادی دارای مشکلات موقت از نظر نویسنده مشابه یکدیگر می‌باشد.

۴. راهکارهای اسلام در مواجهه با تأخیر تأدیه دیون

معضل تأخیر تأدیه دیون آثار سوء اجتماعی و اقتصادی بسیاری در جامعه و نظام‌های مالی به دنبال دارد که به‌عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد؛ تأخیر بدهکاران موجب می‌گردد مؤسسات مالی مبالغ بیشتری را به‌عنوان ذخایر احتیاطی کنار بگذارند و در نتیجه میزان کارآمدی آن‌ها نیز کاهش می‌یابد. احتمال ورشکستگی مؤسسات اعتباری از دیگر آثار تأخیر تأدیه دیون محسوب می‌شود. بازیابی و دریافت معوقات و مطالبات نکول شده نیازمند صرف هزینه‌های مالی و زمان بسیار از طریق محاکم قضائی است. از جمله پیامدهای دیگر می‌توان به خسارت‌های ناشی از کاهش ارزش پول و عدم النفع سخن گفت؛ درآمدهای مؤسسات مالی از طریق چرخش سپرده‌ها در قالب تسهیلات مختلف به مشتریان جذب می‌شود و اگر یک مشتری در پرداخت دیونش تأخیر کند موجب می‌شود اعطای یک وام به تأخیر بیفتد و بانک سود ناشی از آن وام را از دست بدهد.

گسترش تخلفات مالی، سلب اعتماد عمومی مردم، سنگین‌تر شدن وثایق و ضمانت‌ها به دلیل نکول بیش از حد تسهیلات اعطایی و در نتیجه محروم ماندن عده‌ای که توان تودیع وثایق کافی ندارند و افزایش نرخ سود تسهیلات (یکی از عوامل مؤثر بر نرخ سود بانکی درصد مطالبات سوخت شده و معوق می‌باشد که بانک‌ها و مؤسسات مالی مجبورند برای جبران آن‌ها بر نرخ سود خود بیفزایند) از دیگر آثار و پیامدهای سوء تأخیر تأدیه دیون می‌باشد (موسویان، ۱۳۹۰، صص ۵۰۰-۵۰۳).

از مجموع آیات و روایاتی که در خصوص ادای دین بیان شده است این گونه برداشت می‌شود که شخصی که بدهی خود را پرداخت نمی‌کند دو حالت دارد؛ حالت اول این که دارا و غنی باشد، در این صورت طبق روایت پیامبر اکرم (ص) «مطل الغنی الظلم» (حرعاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ۹۰) چنین فردی ظالم است و حکومت اسلامی به خاطر ظلم و قبیح بودن رفتار مدیون و ایجاد اخلال در نظام پولی و مالی و مبتنی بر قاعده «التعزیر لکل عمل محرم»، باید مجازات متناسب برقرار کند. حالت دوم این که ثابت شود بدهکار واقعاً مالی ندارد که شارع در آیه شریفه «و إن کان ذو عسرۃ فظنرۃ إلی میسرۃ» شیوه برخورد با چنین مدیونی را بیان نموده و به طلبکار در چنین حالتی توصیه شده که در مواجهه با بدهکاری که معسر و فقیر است مهلت دهد و اگر طلب خود را ببخشد عمل وی مصداق صدقه و خیر برای او محسوب خواهد شد.

در صورتی که بدهکار مالی نداشته باشد و امکان تحصیل مال هم برای وی ممکن نباشد، غارم محسوب می‌شود که نمی‌توان برای غارم جریمه دیرکرد لحاظ نمود، بلکه باید دین غارم از محل صدقات یا توسط والی (بیت‌المال) پرداخته شود، خصوصاً در فرضی که غارم مال خود را در راه معصیت خدا خرج نکرده باشد. بنابراین بدهکار یا مال دارد و یا ندارد، در صورتی که مال دارد باید تعزیر شود و در صورتی که مال ندارد باید از صدقات یا از والی و بیت‌المال پرداخت شود.

بنابراین دریافت وجه التزام، زیان دیرکرد و سایر خسارت‌ها بدون در نظر گرفتن اوضاع، احوال و شرایط مدیون خلاف قواعد شرعی و آموزه‌های دین مبین اسلامی است و چنانچه قرار باشد جریمه‌ای جهت تنبیه بدهکار دریافت شود اولاً باید ملائمت مدیون ثابت شود (به غیر از تاجر و شرکت تجاری که ملائمت آنان استصحاب می‌شود) و ثانیاً چون اخذ جریمه ماهیت تعزیری دارد باید با اذن حاکم شرع باشد و به صندوق دولت تأدیه شود.

۴-۱. تشویق بدهکاران به پرداخت بدهی

خداوند متعال در آیه ابتدایی سوره مبارکه مائده خطاب به کسانی که ایمان آورده‌اند پایبندی به قراردادهای را متذکر شده است. در قراردادهایی که رابطه طرفین دینی را در

بر دارد مهم‌ترین اصل در پایبندی به آن قرارداد، پرداخت اقساط دین در سررسیدهای مقرر شده است. همچنین در احادیث متعدد از نبی مکرم اسلام (ص) که مفهوم واحدی به همراه دارند، بهترین افراد امت، متعهدترین و پایبندترین آنها در ادای قرضشان برشمرده شده‌اند.

بدهکاری که از تمکن مالی برخوردار است بنا بر آموزه‌های دینی و شریعت اسلامی مکلف به ادای دین خویش در مواعد تعیین شده می‌باشد. از این رو روایات زیادی در این خصوص مطرح شده که بدهکاران را به پرداخت به موقع بدهی خویش تشویق نموده است. هرچند ماهیت این روایات بیم دهنده و انذاری است اما در بیان ضرورت و اهمیت تأدیه به موقع دیون نقش بسزایی دارد. در برخی روایات از بدهکاری که با وجود تمکن مالی دین خود را به موقع نمی‌پردازد با عناوینی چون ظالم، خائن و سارق یاد شده است (موسویان، ۱۳۹۳، ص ۳۸۷).

راهکار پیشنهادی جهت تشویق و ترغیب بدهکاران متمکن به پرداخت بدهی‌هایشان، دریافت مبلغی به عنوان خسارت از آنان است، اما می‌بایست به گونه‌ای عمل شود تا ضمن مصون بودن این روش از شبهه ربوی، جنبه تنبیهی و بازدارندگی نیز داشته باشد، لذا تخصیص این مبالغ به امور خیریه و تبرعی می‌تواند مانعی در جهت عدم صدق اعطای زیاده به قرض دهنده و معامله ربوی باشد. همچنین میزان و مقدار این خسارت باید به نحوی تعیین گردد تا فرصت سودجویی و کسب منفعت در بازار آزاد از وام‌گیرنده سلب شده و تأخیر در پرداخت اقساط، مزیتی برای وی نداشته باشد.

۴-۲. ترغیب طلبکاران به مهلت دادن

طبق آیات قرآن و روایاتی که از ائمه معصومین (ع) بیان شده است؛ اعطای مهلت به بدهکار تنگدست و مراعات حال مدیونی که ناتوان از پرداخت بدهی خویش است ثواب صدقه و رهایی از عذاب اخروی و آتش دوزخ را به دنبال دارد.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید؛ خداوند متعال در آیه ۲۸۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: و اگر (بدهکار) تنگدست بود (بر شماست که) او را تا هنگام توانایی مهلت دهید؛ و بخشیدن همه وام (و چشم‌پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی

پرداختش را ندارد) اگر (فضیلت و ثوابش را) بدانید برای شما بهتر است. شارع مقدس در وهله اول راهکار اعطای مهلت از سوی طلبکار به بدهکار معسر را تا زمان توانمند شدن بیان فرموده و در ادامه کریمه مذکور و در فرضی که احتمال دارا شدن بدهکار متصور نیست، بخشش و گذشت را طلب نموده است. این آیه بیانگر جمله انشایی است که مفاد آن طلب و امر است و بر وجوب امهال و انظار به مدیون معسر دلالت دارد (ندری و محرابی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۱).

در روایتی که امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اکرم(ص) عرضه داشته‌اند این‌گونه آمده است: کسی که بدهکار معسر و ناتوان را مهلت دهد و یا از او در گذرد از آتش جهنم در امان است. در روایت دیگری که از پیامبر اسلام مروی است؛ ایشان در مورد طلبکاری که پولی به دیگری قرض داده است فرموده‌اند قبل از رسیدن مهلت به‌اندازه مبلغ بدهی، برای او صدقه به حساب می‌آید و پس از سررسید دین و فرا رسیدن موعد پرداخت اگر به مدیون تنگدست مهلت بدهد، به‌اندازه دو برابر مقدار بدهی، صدقه از برای او نوشته خواهد شد (موسویان، ۱۳۹۳، ص ۳۸۸).

۳-۴. مراجعه به حاکم اسلامی در شرایط خاص

گاهی طلبکار، خود فردی نیازمند است که به آنچه قرض داده نیاز مبرم پیدا می‌کند و نمی‌تواند به بدهکاری که در سررسید دین توانایی بازپرداخت بدهی را ندارد مهلت دهد.

در این فرض بر اساس روایات موجود، می‌توان به حاکم اسلامی مراجعه نمود و چنانچه معسر بودن بدهکار بر حاکم ثابت شود از پرداخت بدهی معاف می‌گردد و حاکم اسلامی متحمل دین او شده و به نیابت از مدیون معسر و از محل بیت‌المال، طلب بستانکار را تأدیه می‌نماید (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵۸).

۴-۴. پرداخت دیون از محل زکات

زکات اموال یکی از مصادیق بارز صدقات واجب و به‌مثابه پشتوانه مالی برنامه‌های اجتماعی حکومت اسلامی می‌باشد که در اصلاح ساختار جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند. زکات از جمله احکام مهم و ضروری دین مبین اسلام است که در قرآن کریم و

روایات معصومین به منظور حمایت از افراد خاص جامعه عنوان گردیده است. اموال نه- گانه‌ای که زکات به آنها تعلق می‌گیرد و نیز موارد مصرف آن، طبق دستورات شریعت احصاء گردیده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَصْدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰)؛ «زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کنند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا و در راه ماندگان؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است». طبق این آیه که صنوف مصرف زکات در آن بیان شده، شارع مقدس یکی از موارد مصرف زکات را ادای دین بدهکاران برشمرده است؛ به عبارت دیگر بدهکارانی که به دلایل غیرارادی و بدون سوء نیت و سوء رفتار خودشان، وضعیتشان به گونه‌ای تبدیل شده که توان بازپرداخت وام و قرض دریافتی را ندارند، جزو صنفی محسوب می‌شوند که مستحق دریافت زکات می‌باشند. این در حالی است که این موضوع در جامعه و نظام بانکداری اسلامی ما به یک فریضه فراموش شده مبدل شده است.

۴-۵. تخفیف در مبلغ بدهی در قبال پرداخت زود هنگام

یکی از روش‌های اعمال تخفیف در مبلغ بدهی، کاهش مهلت تأدیه دین و پرداخت پیش از موعد می‌باشد که این موضوع امروزه در تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز مشاهده می‌شود. با این توضیح که اگر بدهکار نسبت به تأدیه دین خود پیش از سررسیدهای توافق شده اقدام نماید مبلغی به‌عنوان تخفیف از بدهی او کسر خواهد شد. در برخی مواقع طلبکار حاضر است برای اینکه زودتر به طلب خود برسد بخشی از طلبش را بر بدهکار ببخشد.

مطابق روایات این عمل صحیح بوده و شرعی می‌باشد؛ زمانی که پیامبر اکرم(ص) دستور دادند تا بنی نضیر مدینه را ترک نمایند، برخی نزد حضرت آمده و عنوان نمودند

که طلبی دارند و هنوز مهلت آن فرا نرسیده است؛ ایشان نیز در پاسخ به این مسئله فرمودند از مبلغ طلب کم کرده و آن را زودتر دریافت نمایید (جواهری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۰).

در روایت دیگری از امام باقر (ع) در خصوص بدهکاری که تا زمان مشخصی فرصت پرداخت دارد و طلبکار نزد او آمده و می‌گوید: فلان مقدار از طلبم را نقداً به من بده و من باقی طلب را از تو نمی‌گیرم یا می‌گوید: بخشی از طلبم را نقداً پرداز و من برای باقیمانده بدهی، مهلت بیشتری به تو می‌دهم. امام باقر (ع) فرمود: من در این کار اشکالی نمی‌بینم، مادامی که بر اصل مال خود چیزی نیفزاید؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «تنها اصل سرمایه شما متعلق به شماست. نه ظلم می‌کنید و نه ظلم می‌پذیرید». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵۶).

۴-۶. مجازات بدهکاران متمکن

برخی از بدهکاران در عین ملائت و توانگری مالی، تمایلی به تأدیه و پرداخت دیون و تسهیلات دریافتی را ندارند و یا پرداخت آن را با تأخیر انجام می‌دهند. راهکار اسلام در مواجهه با این دسته از بدهکاران تعیین و اعمال مجازات متناسب می‌باشد؛ بنا به قاعده فقهی «التعزیر لکل عمل محرم» که متفق میان فقهای امامیه و عامه نیز می‌باشد، ترک هر یک از واجبات الهی و ارتکاب هر عمل گناهی، تعزیر دارد؛ مشروط بر اینکه حد شرعی نداشته باشد. مرحوم صاحب جواهر در این خصوص چنین نقل کرده است: «هیچ اختلاف و اشکالی در میان فقها نیست در اینکه هرکس کار حرامی کند یا واجبی را ترک نماید که از گناهان کبیره محسوب شود، حاکم شرع حق دارد وی را تعزیر نماید» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۴۲).

فلسفه تأسیس مجازات تعزیری در نظام حقوقی اسلام حفظ نظم عمومی جامعه و برقراری امنیت جانی، مالی و معنوی شهروندان حکومت اسلامی می‌باشد. از بررسی متون روایی و فقهی به دست می‌آید که برخی جرائم در زمان شارع اسلامی نیز رواج داشته، ولی برای آنها مجازات مشخصی تعیین نشده است. اساساً جرائم و تخلفات هر جامعه به نحوه زندگی مردم آن جامعه بستگی دارد و هر چه جوامع پیشرفته‌تر و روابط

افراد در آن گسترده‌تر شود، جرائم و تخلفات نیز تنوع و پیچیدگی بیشتری می‌یابند. از این رو وجود نهادی که بتوان بر اساس آن و حسب اوضاع، احوال و شرایط زمانی و مکانی، آن دسته از اعمال مفسده‌زا را که مانع روابط سالم و سالم‌سازی محیط اجتماعی و رشد و شکوفایی ارزش‌های انسانی می‌باشد را معین نموده و به‌حسب مورد مجازات‌هایی را برای آن‌ها مقرر نمود، ضروری و کارآمد می‌باشد (تاج‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۹). بنابراین حکومت اسلامی حق دارد در هر موردی که عملی موجب اذیت و آزار مردم، سلب امنیت و حقوق مالی و غیرمالی آنان می‌شود و در نظم جامعه اختلال ایجاد می‌نماید، آن عمل را ممنوع و برای متخلفین مجازاتی معین کند.

علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء در خصوص قاعده تعزیر چنین تعبیری دارد؛ که حاکم می‌تواند کسی را که ترک واجب کرده است تعزیر نماید. همچنین در خصوص مدیونی که دین حال بر ذمه دارد و با وجود داشتن مال و دارایی از پرداخت آن امتناع می‌ورزد، بر این نظر است که حاکم در ابتدا باید او را مجبور به ادای دین کند و در صورتی که این عمل مؤثر واقع نگردد، حاکم حق دارد مدیون را به مجازات حبس تعزیری محکوم نماید (علامه حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۶۵۶).

۵. روش‌های اجرای استمهال معوقات بانکی

در این مبحث سعی داریم روش‌هایی که نظام بانکی در استمهال قراردادهای تسهیلاتی معوق شده به کار می‌بندند را تشریح و تبیین نماییم. احیای تسهیلات معوق شده و تبدیل آن‌ها به تسهیلات جاری از طریق شش روش که سه روش آن توسط بانک مرکزی ابلاغ گردیده و سه روش دیگر توسط خود بانک‌ها به کار گرفته شده در حال اجرا می‌باشد. استمهال قراردادهای بانکی از سه حالت خارج نیست:

روش اول استمهال از طریق تمدید قرارداد بوده که در آن تاریخ پرداخت و سررسید تسهیلات عوض خواهد شد و عموماً از طریق الحاقیه به قرارداد اولیه اجرا می‌گردد. البته این روش شرایط و ضوابطی دارد که باید به‌دقت بررسی گردد تا مشخص شود کدام یک از قراردادها قابل تمدید و کدام یک قابل تمدید نمی‌باشد. به این روش امهال تسهیلات نیز اطلاق می‌شود؛ وفق ماده ۱۱ آیین‌نامه وصول مطالبات

سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول موسسات اعتباری، بانکها می‌توانند به‌منظور تسهیل بدهی‌های غیرجاری مشتریان برای یکبار اقدام به امهال بدهی آنان به مدت شش ماه نمایند.

از این روش استقبال چندانی در استمهال معوقات نمی‌شود، چه از سوی مشتریان و چه از سوی بانکها؛ علت آن نیز کم بودن مهلت شش ماهه برای بدهکاران است، ضمن اینکه در این روش تقسیط بدهی وجود ندارد و مشتری مکلف است پس از شش ماه کلیه اقساط خود را به‌صورت یکجا بپردازد. از آنجایی که امهال شش ماهه معوقات برای بانکها هیچ سود منفعتی به دنبال ندارد، از این رو بانکها نیز این روش را به مشتریان خود توصیه نمی‌کنند. شایان ذکر است که این روش کاملاً منطبق بر قواعد حقوقی و موازین شرعی بوده و صحیح‌ترین روش در برخورد با بدهکارانی است که به دلایل موجه توان بازپرداخت اقساط خود را نداشتند. (مقصود بدهکاران معسر، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با مشکلات موقت است) لذا با توجه به فراگیر نبودن این روش و همچنین فقدان هرگونه ایراد حقوقی و شرعی در مورد آن، به توضیحات معروض شده بسنده می‌کنیم.

روش دوم از طریق تجدید قرارداد می‌باشد، تجدید تسهیلات یا جابه‌جایی آن بدین معنی است که قرارداد اولیه فسخ شده و قرارداد جدیدی منعقد می‌گردد و مطابق آن قسمتی یا تمام تسهیلات دریافتی مشتری به تسهیلات جدید تبدیل خواهد شد، بدون اینکه واقعاً معامله‌ای جدید میان طرفین انجام شده باشد. متأسفانه امروزه بانکها تمایل بسیاری به این نوع از استمهال معوقات دارند؛ علت آن نیز دلایل عدیده‌ای است که به ذکر برخی از آنها خواهیم پرداخت:

اولاً در این روش از عقود که بانک مرکزی پیشنهاد داده و یا خود بانکها بعضاً از آن بهره می‌برند، استفاده نمی‌شود تا مشکلات حقوقی و شرعی احتمالی دامن‌گیر بانک نشود.

ثانیاً با این روش بانکها می‌توانند مبلغ بدهی جدید مشتری را به‌دلخواه خودشان تعیین کنند و هیچ‌گونه مانعی از نظر حقوقی پیش پای خود نمی‌بینند؛ برای مثال در یکی از بانکهای خصوصی در اجرای سازوکار استمهال، اصل بدهی معوق شده به

ازای ماهیانه ۴۰ درصد به عنوان سود، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه به عنوان بدهی جدید مشتری و در قالب تسهیلات جدید ضمن فسخ تسهیلات قبلی محاسبه می‌گردد. ثالثاً بانک‌ها با جایگزینی تسهیلات قدیمی معوق شده با تسهیلات جدید، هیچ‌گونه مستنداتی از اقدامات خود به‌جای نمی‌گذارند تا مورد بازخواست و ممنوعیت احتمالی نهادهای نظارتی و قضایی واقع نشوند. هرچند نتیجه غایی اقدام بانک در این روش همان استمهال معوقات است، اما با جایگزینی قرارداد جدید، عملاً سند و مدرکی هم از استمهال وجود نخواهد داشت و طبق ظاهر و اسناد موجود در بانک استمهالی واقع نشده است. پُر واضح است که تحلیل و بررسی این رویه از سوی بانک‌ها مسلماً امکان‌پذیر نبوده، چراکه سازوکار استمهالی که در این بانک‌ها در جریان است، اساساً تحت ضوابط قانونی استمهال نبوده و به علت عدم شفافیت، قابل تحلیل و بررسی نیز نمی‌باشد.

به هر طریق عملکرد شفاف بانک‌ها بسیار مهم و حیاتی است، چراکه هرگونه اخلال در نظام بانکی به سرعت در اقتصاد منتشر شده و موجب بی‌اعتمادی مردم می‌گردد. روش سوم استمهال از طریق تبدیل قرارداد می‌باشد، با این توضیح که قرارداد اولیه به قوت خود باقی است و بدهی قبلی مشتری پای برجاست و با انعقاد یک قرارداد تسهیلاتی جدید، قرارداد قبلی مدیون تسویه می‌گردد. توجه به این موضوع ضروری است که با هر تسهیلاتی نمی‌توان هر تسهیلاتی را تسویه حساب نمود و با قراردادی که مشابه قرارداد اولیه است نمی‌توان به مشتری تسهیلات مجدد اعطاء نمود. تبدیل قرارداد به چند روش صورت می‌پذیرد که برخی از این روش‌ها توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ شده و برخی دیگر، روش‌هایی است که خود بانک‌ها از آن‌ها استفاده می‌نمایند. در ادامه پس از بیان روش‌های مذکور و تحلیل و بررسی آن‌ها، روش پیشنهادی دکتربین نیز تقریر خواهد شد.

شایان توجه است که با اجرای هر یک از روش‌های «تجدید قرارداد» و «تبدیل قرارداد»، بدهی مشتری افزایش می‌یابد و در حقیقت به‌کارگیری این دو روش، موجبات تبدیل و افزایش تعهد وام‌گیرنده را به دنبال خواهد داشت.

یکی از ایراداتی که به‌طور کلی به روش‌های اجرایی و در واقع به اصل اجرای سازوکار استمهال وارد است، عدم توجه به اوضاع و احوال و شرایط مشتری است؛ اینکه در روش‌های موجود میان مشتری معسر، تولیدکننده و فعال اقتصادی دارای مشکلات موقت، متخلف و سوء استفاده‌کننده هیچ تفاوتی وجود ندارد، خطایی آشکار است که بایستی مجدداً بررسی و اعمال گردد. مهم‌ترین اثر این مسئله در جایی است که مجموع بدهی مشتری محاسبه و استمهال می‌شود؛ دریافت خسارت (شامل وجه التزام و تأخیر تأدیه) به همراه سود ثابت در قراردادهای مشارکتی محل ایراد است و در صورتی که مشتری معسر یا تولیدکننده و فعال اقتصادی با مشکلات موقت باشد، اضافه کردن هر مبلغی تحت هر عنوانی از نظر قانونی و شرعی صحیح به نظر نمی‌رسد.

ایراد دیگری که به‌طور کلی به روش‌های اجرایی می‌توان گرفت، مسئله صوری بودن معاملات و عقود است که از طریق آن‌ها استمهال مطالبات صورت می‌پذیرد؛ در واقعیت امر و در حیطه عمل هیچ‌یک از قراردادها اجرا نمی‌شود و نتیجه و اثر آن، صوری شدن عملیات بانکی در عقود مختلف و ربوی شدن آن‌ها می‌باشد. طبق اصل فقهی «العقود تابعه للقصد»، عقد تابعی از قصد طرفین است و چنانچه طرفین هر یک از عقود، قصد جدی در انعقاد و اجرای آن نداشته باشند، اگرچه عقدی معین و در چارچوب مقررات بانکداری اسلامی به‌صورت ظاهری و بر اساس اسناد و مدارک کاغذی شکل گرفته، لیکن ماهیتاً و در حقیقت ماجرا، معامله صورت گرفته مبتنی بر دریافت پول و بازپرداخت به همراه اضافه است و رابطه میان بدهکار و طلبکار، در قالب عقد قرض شکل گرفته که وفق قاعده «کل قرض یجر نفع فهو ربا»، به‌طور حتم معامله منعقد شده، ربوی و حرام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

توجه به منشأ حقیقی معوقه شدن مطالبات گامی مهم در اجرای صحیح روش‌های استمهال است؛ منطق اسلام در برخورد با بدهکاران توجه به علت نکول آنان است و میان بدهکار متمکن با بدهکار معسر تفاوت قائل شده است. در خصوص دسته اول به تعیین مجازات و عقوبت و حبس متخلف پرداخته و چنین فردی را فاقد وجه اجتماعی

و آبرو پنداشته است؛ و در مورد دسته دوم شارع مقدس به دفعات در قرآن کریم و روایات، امهال دیون را انشاء نموده و در مورد عده‌ای که امیدی به توانمند شدن آنان وجود ندارد، بخشش و گذشت از دین را بیان شده است.

موافقت با درخواست استمهال مشتریان می‌بایست با توجه به اوضاع و شرایط آنان صورت پذیرد و افزودن نامتعارف بر اصل بدهی تحت هر عنوانی خلاف مقتضای سازوکار استمهال خواهد بود. در موضوع استمهال معوقات بانکی اساساً باید با هر شخصی مطابق اوضاع و احوال و شرایط خاص و منحصر به فرد خودش برخورد شود. بدهکاران خصوصی را اشخاص معسر، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با مشکلات موقت، متخلفان مستعد و سوء استفاده کنندگان تشکیل می‌دهند. در مورد مشتریان معسر، طبق دستور شریعت اعطای مهلت ضروری بوده و چنانچه کل بدهی آنان بخشیده شود، بهتر و نیکوتر خواهد بود. به طریق اولی دریافت وجه التزام و خسارت تأخیر از این بدهکاران خلاف نص صریح قرآن و روایات است. همچنین بهترین شیوه برخورد با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با مشکلات موقت، اجرای سازوکار استمهال می‌باشد؛ با این شرط که خسارات تأخیر (اعم از وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه) از آنان دریافت نشود. با توجه به عملکرد فعلی شبکه بانکی کشور و دریافت خسارات تأخیر در مطلق قراردادها و عدم توجه به وضعیت و شرایط خاص برخی از مشتریان، این رویه از منظر بانکداری اسلامی قابل نقد و بررسی می‌باشد.

استمهال معوقات نباید به گونه‌ای باشد که موجب تحقق ربای جاهلی شود؛ اگر حقیقت اجرای استمهال مطالبات بانکها، افزایش بدهی مشتریان بدون مابازای عقلایی و فعالیت اقتصادی و صرفاً در مقابل افزایش مدت بازپرداخت باشد، هرچند در ظاهر و قالب عقود شرعی صورت پذیرفته باشد، بازهم حرمت آن مسلم و قطعی خواهد بود. همچنین رویه جاری بانکها در موضوع انعقاد قراردادهای تسهیلاتی، اصلاً شفاف نبوده و به سختی قابل نقد و بررسی است؛ عدم اعطای یک نسخه از قرارداد اولیه و استمهال شده به مشتریان و صوری بودن اکثر قراردادهای معضلاتی است که شبکه بانکی ما با آن مواجه است. قرارداد استمهالی که با مشتریان منعقد می‌شود، به نوعی شبیه‌سازی بازی پانزی بوده و متقاضیان استمهال را به صاحبان بازی پانزی تبدیل می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم

آهنگران، محمدرسول، ملاکریمی خوزانی، فرشته (۱۳۸۹)، «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۰.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثه.

تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۴)، رساله التعزیر فی فقه الاسلامی، شهر ری: انتشارات دانشیاران ایران. جواهری، حسن بن محمدتقی (۱۴۱۹ق)، بحوث فی الفقه المعاصر، الطبعة الأولى، بیروت: دار الذخائر.

حراغملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل‌البت لایحیاء التراث.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ق)، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل‌البت لایحیاء التراث.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کشوری، عیسی (۱۳۹۰)، قاعده عسر و حرج، تهران: انتشارات جاودانه (جنگل).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.

مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، ربا و بانکداری اسلامی، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب (ع).

موسویان، سید عباس (۱۳۹۰)، طرح تحول نظام بانکی اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسویان، سید عباس و میسمی، حسین (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی (۱) مبانی نظری - تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ندری، کامران و محرابی، لیلا (۱۳۹۵)، «بررسی مطالبات غیرجاری نظام بانکی و راهکارهای وصول مطالبات در نظام بانکداری اسلامی برخی کشورها»، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۴۶.

نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البیت لإحياء التراث.

